

## مستشاران نظامی آمریکا در ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷ هـ ش)

رضا بیگدلو<sup>۱</sup>

از صفحه ۷۵ تا ۹۶

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۷

### چکیده

حضور هیئت‌های مستشاری در ایران به آغاز روند نوسازی کشور در عصر عباس میرزا برمی‌گردد. از آن جایی که لزوم مقابله با تهاجمات استعماری و برقراری نظم و امنیت، دوام قدرت حاکمیت را تضمین می‌کرد، در بین هیئت‌های مستشاری، اهمیت هیئت‌های نظامی از بقیه بیشتر بوده است. بدین جهت مستشارانی از کشورهای فرانسه، انگلستان، اتریش و بعدها ایتالیا و سوئد در ایران حضور یافتند. مستشاران نظامی آمریکا در ایران بعد از جنگ جهانی دوم تا پایان دولت پهلوی حضور روزافزونی پیدا کردند. این هیئت‌ها که از دوران اشغال ایران به دست متفقین برای نوسازی و سازماندهی نیروهای مسلح وارد ایران شدند، از بسیاری جهات با هیئت‌های نظامی قبلی به لحاظ اختیارات و ماهیت حضور متفاوت بودند. این مقاله بر اساس روش اسنادی و کتابخانه‌ای به دنبال آن است که اهداف و ماهیت حضور و برآیند اقدامات این هیئت‌های مستشاری را بررسی و تحلیل نماید. یافته‌های پژوهش بر آن است که حضور و ماهیت عملکرد این هیئت‌ها را باید بر اساس نوع روابط ایران با آمریکا و سیاست‌های کلان خارجی ایالات متحده در ایران و جهان تحلیل کرد. سیاست‌های آمریکا در جهان بر اساس مقابله با نفوذ کمونیسم، نوسازی سیستم اقتصادی، نظامی و اجتماعی این کشورها مطابق با نظریات نوسازی و در داخل ایران براساس اتکا و حمایت از شخص شاه استوار بوده است. بنابراین باید برنامه‌ها و اقدامات هیئت‌های نظامی آمریکا در ایران را هم به عنوان جزئی از این سیاست‌های کلان در نظر گرفت.

### کلید واژه‌ها

مستشاران نظامی، نوسازی، ایالات متحده آمریکا، جنمیش، آرمیش.

۱ - استادیار تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی Bigdelor@gmail.com

## مقدمه

حضور هیئت‌های مستشاری غربی جزئی از روند نوسازی ایران در دوره‌های قاجاریه و پهلوی قرار گرفته بود. این امر به ویژه در امور نظامی بارزتر بود و اهمیت بیشتری داشت. از آن جایی که نوسازی نیروهای نظامی ایران از عصر عباس میرزا ولیعهد و به دنبال جنگ‌های ایران و روس یکی از اولویت‌های ایران بود، هیئت‌های مستشاری نظامی ابتدا از کشور فرانسه، سپس از انگلستان، روسیه و کشورهای دیگری در ایران حضور یافتند. در عصر مشروطه و سال‌های پس از آن نیز تلاش برای نوسازی نیروهای نظامی - انتظامی با به کارگیری مستشارانی از کشورهای ایتالیا و سوئد تداوم یافت. تاریخ دوره قاجاریه مملو از تلاش‌هایی است که برای ایجاد یک ارتش دائمی به روش نوین و با مساعدت مستشاران نظامی صورت گرفت، گرچه همه آنها با شکست مواجه شد. شکست نوسازی اصلاحات نظامی با شکست نوسازی عمومی کشور ارتباط وثیق داشت. به طور کلی رقابت‌های روسیه و انگلیس عامل مؤثری در به انجام نرسیدن نوسازی نیروی‌های نظامی ایران بود. (کرونین، ۱۳۷۷: ۱۴) در عصر پهلوی توجه به تقویت و حمایت از نیروهای نظامی بیشتر شد. صعود دولت پهلوی بر رأس قدرت از طریق نیروهای نظامی به وقوع پیوست. رضاخان قدرت خود را بر ارتش استوار ساخت و با اختصاص بیشترین بودجه کشور به نیروهای نظامی، تجهیزات و نفرات آن را به شدت ارتقا بخشید. با توجه به این که خاستگاه رضاشاه ارتش بود و با تکیه بر آن، برنامه‌های خود را پیش می‌برد، برخی از پژوهشگران ماهیت دولت وی را استبداد نظامی نام نهاده‌اند. (فوران، ۱۳۷۸: ۳۳۰)

جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در مورد گسترش سلطه آمریکا در جهان به خصوص در ایران بود. در ابتدا ایرانیان دیدگاه نسبتاً مثبتی نسبت به آمریکاییان داشتند. در دوران قاجار و سال‌های پس از آن در فضای رقابت و نفوذ دو دولت روسیه و انگلیس ایرانیان برای برقراری توازن و کاهش نفوذ این دو کشور، خواهان حضور یک کشور ثالث در ایران بودند و تا مدتها در این مورد نسبت به حضور نیروی سوم خوش‌بینی وجود داشت. بلافاصله پس از اشغال ایران و حضور نیروهای اشغالگر در ایران، در شهریور ۱۳۲۰ که رضاشاه با حمله متفقین به خاک ایران مواجه شد، به روزولت رئیس‌جمهور آمریکا متوسل شد و از وی در برابر این حمله غافلگیر کننده استمداد کرد. روزولت با دفاع از لزوم این

عملیات، هر چند به طور تلویحی اجرای وعده‌های متفقین را برعهده گرفت، اما رضاشاه را ناامید کرد. (الکساندر و نانز، ۱۳۷۸: ۱۲۹) حمله ژاپن به بندر پرل‌هاربور در ۱۴ آذر ۱۳۲۰ نقطه پایان سیاست به اصطلاح انزواطلبی (دکترین مونروئه) و عدم مداخله آمریکا و تغییر موازنه قوا به نفع متفقین شد. با اشغال و حضور سربازان آمریکایی در ایران، مرحله جدیدی از روابط ایران و آمریکا آغاز شد. یک ماه قبل از این، لوئیس دریفوس وزیرمختار آمریکا در تهران به واشنگتن گزارش داد که «ایران بیشتر و بیشتر در پی کمک و راهنمایی آمریکاست و من احساس می‌کنم که ما نباید از این فرصت برای تحکیم موقعیت خود غفلت کنیم.» (مهدوی، ۱۳۷۴: ۸۷) به دنبال اشغال ایران، میلسپو<sup>۱</sup> برای بار دوم در دی ماه ۱۳۲۱ ه. ش به عنوان رئیس‌کل دارایی و با اختیارات وسیع آغاز به کار کرد. میلسپو اختیار تهیه بودجه دولت، نظارت در پرداخت‌ها و تعهدات مالی، نظارت بر کارکنان، تجدید سازمان دستگاه‌های تحت نظارت وزیر دارایی را عهده دار شد. بر خلاف هیئت‌های گذشته (که دولت آمریکا از قبول مسئولیت درباره مأموریت آنها طفره می‌رفت) وزارت خارجه آمریکا از میلسپو خواسته بود که امور مالی دولت ایران را سروسامان دهد و از فروپاشی آن جلوگیری کند. همچنین وزارت خارجه آمریکا به سفارت آن کشور دستور داده بود که با هیئت مزبور همکاری و از آن حمایت کند (میلسپو، ۱۳۷۰: ۷۳ و ۷۷). به دنبال آن چندین هیئت از مستشاران اقتصادی، نظامی، بهداشتی، کشاورزی و نفتی به ایران آمدند. مؤسسه «مشاوران ماوراء بحار» به عنوان مشاور اقتصادی نبض سازمان برنامه را در دست گرفت. این هیئت‌های مستشاری به لحاظ شکل دادن به علائق ایالات متحده در ایران نقش مهمی ایفا کردند. در مراحل بعدی این هیئت‌ها، به عاملی در جهت دائمی کردن نفوذ آمریکا در ایران تبدیل شدند. در این باره کارشناسان وزارت امور خارجه آمریکا پیش‌بینی می‌کردند که «در آینده نزدیک ایالات متحده در موقعیتی قرار خواهد داشت که از طریق یک گروه چشمگیر از مستشاران آمریکایی عملاً ایران را اداره کند» (فاوست، ۱۳۷۴: ۲۰). بعد از هیئت میلسپو، مستشاران دیگری چون شریدان<sup>۲</sup> به عنوان مشاور در خواروبار، دکتر ویندوز<sup>۳</sup> در امور آبیاری، سرهنگ نوی‌ورث<sup>۴</sup> در وزارت بهداشتی و تیمرمن<sup>۱</sup> در شهربانی استخدام شدند.

1 - Arthur Millsbaugh

2 - G.K.sheridan

3 - L.m.windosor

4 - I.i.noyworth

در حالی که در دوران قبل از جنگ جهانی اول، منافع و اهداف ایالات متحده آمریکا در ایران محدود بود و برای رسیدن به آنها رقبای قدرتمندی چون روسیه و انگلستان در پیش بود، این منافع بعد از جنگ رو به تزاید بود. یکی از منافع مورد نظر آمریکا در ایران و خاورمیانه منابع نفت بود، در حالی که در قبل از جنگ جهانی دو کشور آمریکا و انگلستان با اقدامات و توافقات محرمانه مانع از حضور شرکت‌های نفتی آمریکایی در این منطقه شدند (شولزینگر، ۱۳۷۹: ۲۲۸). به نظر می‌رسید که با افول قدرت انگلستان در خاورمیانه، زمینه برای حضور جدی شرکت‌های نفتی آمریکایی در خاورمیانه فراهم شود. بعد از جنگ جهانی دوم و با تشکیل دولت یهودی اسرائیل، علایق آمریکا در خاورمیانه افزایش یافت. ترومن از درخواست مهاجرت یکصد هزار یهودی به فلسطین حمایت کرد (همان: ۳۸۳) و بعدها دولت آمریکا به مهمترین حامی دولت صهیونیستی تبدیل شد. نزدیکی به شوروی و جلوگیری از سیاست‌های توسعه‌طلبانه آن پس از جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد، برای سیاست‌های آمریکا در ایران، آغاز یک خط‌مشی جدید به حساب می‌آمد. همه این عوامل به ایران ارزشی استراتژیک می‌داد. بدین خاطر بود که آمریکا در تخلیه نیروهای شوروی از خاک ایران نقش جدی ایفا کرد. آمریکا همه گونه حمایت و پشتیبانی از شکایت ایران به شورای امنیت در این زمینه را به عمل آورد و در نهایت پیام تهدیدآمیز ترومن به استالین و وعده‌های قوام بود که شوروی را متقاعد به تخلیه ایران کرد. هرچند آمریکا در مقابل عدم تخلیه خاک ایران توسط شوروی که از نظر آنها صلح جهانی را به خطر می‌انداخت، اقدام قاطعی انجام داد و با این کار به ایران کمک کرد تا استقلال و تمامیت ارضی خود را حفظ کند، ولی تحولات بعدی نشان داد که ایران برای حفظ تمامیت خود بهای سنگینی پرداخت و آزادی عمل و استقلال سیاسی ایران به تأیید و دخالت آمریکا مشروط و مقید شد (فاوست، ۱۳۷۴: ۳۲۱). به طوری که حتی گزینش نخست‌وزیران ایران هم با دخالت و تأیید آمریکا صورت می‌گرفت.

### ۱ - نوسازی جهان سوم هدف بلند مدت آمریکا:

طرح بلند مدت و جامع آمریکا برای ایران و کشورهای جهان سومی، نوسازی<sup>۱</sup> بود. در سال‌های نخست بعد از جنگ جهانی دوم، مؤثرترین ابزاری که اتحاد شوروی و احزاب و

1 - L.s.timerman

2 - Modernization.

گروه‌های کمونیستی در سراسر جهان به‌عنوان رقیب اصلی کاپیتالیسم و در رأس آن آمریکا به‌عنوان رهبر جهان سرمایه‌داری، به کار می‌گرفتند، سلاح ایدئولوژیک بود. آنها با برشمردن معایب جهان سرمایه‌داری همچون فاشیسم، استثمار کارگران و طبقات پایین جامعه و سایر معایب سرمایه‌داری، تنها راه نجات جهان را در تحقق شعارهای سوسیالیسم و رهایی از سرمایه‌داری اعلام می‌کردند. آمریکا برای مقابله با این مسئله، اقدام به طرح یک تئوری مقبول جهت توسعه برای کشورهای جهان سوم کرد که به نظریه نوسازی معروف گردید. این نوگرایی تنها جنبه اقتصادی نداشت، بلکه تمامی ابعاد جامعه از جمله ابعاد اجتماعی، نظامی و فرهنگی را نیز شامل می‌شد. بستر تاریخی نظریه نوسازی محصول سه رویداد مهم بعد از جنگ جهانی دوم است. اولین رویداد، ظهور ایالات متحده به‌عنوان یک ابرقدرت بود که بعد از جنگ و در دهه ۱۹۵۰م. عملاً مسئولیت اداره امور جهان سرمایه‌داری را برعهده گرفت. واقعه دوم گسترش جهانی کمونیسم بود که اتحاد شوروی نفوذ خود را نه تنها در اروپا، بلکه به آسیا و حتی آمریکا نیز گسترش داد. رویداد سوم، تجزیه امپراتوری‌های استعماری اروپایی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود که موجب ظهور شمار بسیاری از دولت-ملت‌های جدید در جهان سوم گردید. این کشورهای نوظهور هر یک به دنبال الگویی برای رشد و توسعه اقتصادی و همچنین اعتلای سیاسی و استقلال خود بودند. در یک چنین زمینه تاریخی بود که نخبگان سیاسی در آمریکا، اندیشمندان علوم اجتماعی را به مطالعه درباره کشورهای جهان سوم ترغیب نمودند، تا ضمن ارائه الگویی برای این کشورها و دستیابی به توسعه اقتصادی، اجتماعی و ثبات سیاسی، از غلتیدن این کشورها به دامان کمونیسم جلوگیری نمایند (سو، ۱۳۸۶: ۲۹).

مهمترین نماینده مکتب نوسازی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی که نظریات وی مبنای ارائه الگوی توسعه به کشورهای جهان سوم و اساس سیاست خارجی آمریکا شد، والت ویتمن روستو<sup>۱</sup> اقتصاددان و جامعه‌شناس آمریکایی بود. جایگاه وی در نظریات نوسازی به گونه‌ای است که از وی با عنوان «مارکس نظام سرمایه‌داری» یاد می‌شود. چرا که اثر وی هم تا حدود زیادی به تقلید از نظریات اقتصادی-اجتماعی مارکس

1 - W.W.Rostow

نوشته شده و او نیز به ترقی جوامع در طول چند مرحله اعتقاد داشته است. اثر معروف وی با عنوان «مراحل رشد اقتصادی» (Rostow:1952) که در این سال‌ها به چاپ رسیده، با حمایت و اعطای یک بورس اعطایی از جانب بنیاد کارنگی انجام شده بود. این الگوی توسعه شبه‌سوسیالیستی نه تنها برای جهان سرمایه‌داری بلکه برای کشورهای جهان سومی همچون ایران، مصر، هند و... طراحی شده بود (روستو، ۱۳۷۴: ۱). روستو تأکید داشت که اگر مشکلات کشورهای جهان سوم ریشه در فقدان سرمایه‌گذاری موثرد از سوی آنها دارد، پس راه‌حل آن نیز ادامه کمک‌های خارجی در قالب سرمایه، تکنولوژی و دانش فنی برای این کشورها خواهد بود. سیاستگذاران عرصه خارجی آمریکا نیز به این ترتیب در همراهی با نظریات روستو، ارسال کمک‌های مالی و فنی آمریکا را به عنوان بهترین راه برای اجرای نوسازی به کشورهای جهان سوم دانسته و سالانه صدها میلیون دلار به منظور زمینه‌سازی و ایجاد بخش‌های زیربنایی و تولیدی به این کشورها پرداخت می‌کردند و هزاران کارشناس اقتصادی و فنی آمریکایی هم به این کشورها گسیل می‌شدند تا آنان را در نیل به مرحله خیز، یاری دهند (سو، ۱۳۸۶: ۴۵).

مطالعات و طراحی برنامه‌های نوسازی در ایران را مؤسسات و نهادهای دولتی و خصوصی آمریکایی انجام می‌دادند. گروه مطالعاتی دانشگاه‌هاروارد که بخشی از بودجه مطالعاتی آن را بنیاد فورد تأمین می‌کرد، شروع به تهیه یک برنامه اقتصادی در ایران کرد. خود شاه و دولت پهلوی هم که با واقعیت‌های مربوط به سیاست خارجی آمریکا و مسائل و مشکلات داخلی مواجه شده بودند، خود را سیاستمداری چابک و انعطاف‌پذیر نشان داد تا رضایت آمریکایی‌ها را برای تداوم حکومت خود جلب نماید. روستو با شاه دیدار داشته و لزوم اصلاحات را به وی یادآور شده بود (پهلوی، ۱۳۸۲: ۳۶۵). در اواخر دهه ۳۰، گروهی از اقتصاددانان ایرانی با گروه مشاورانی به سرپرستی بنیاد فورد که به منظور تهیه برنامه‌ای دراز مدت برای نوسازی کشور در حال مطالعه بودند، همکاری و همراهی می‌کردند (میلانی، ۱۳۸۰: ۱۶۴ و ۱۶۸).

## ۲ - نوسازی نظامی ایران:

نوسازی نیروهای نظامی ایران را باید جزئی از برنامه کلان نوسازی آمریکا در ایران و جهان سوم برای حفظ منافع استراتژیک خود دانست. برنامه نوسازی نیروهای نظامی و انتظامی

ایران توسط مستشاران نظامی آمریکا بلافاصله بعد از اشغال ایران و پیش از نوسازی بقیه ابعاد کشور آغاز و سپس همگام با نوسازی اقتصادی و اجتماعی کشور تداوم پیدا کرد. با توجه به اهمیتی که ایران برای آمریکا پیدا کرده بود، نوسازی نیروهای نظامی ایران یک اقدام عاجل و ضروری تلقی می‌گردید. در اردیبهشت ۱۳۲۱ دولت ایران و آمریکا درباره حضور مستشاران نظامی آمریکا برای بازسازی ژاندارمری و ارتش به توافق رسیدند. محمد ساعد- وزیر امور خارجه ایران - با امضای قراردادی با لوئیس دریفوس - وزیر مختار ایالات متحده آمریکا- زمینه حضور اولین گروه از مستشاران نظامی را فراهم ساختند (نجاتی، ۱۳۷۳: ۵۰۸). در مهر همان سال سرلشکر کلارنس ریدلی<sup>۱</sup> به عنوان مستشار ارتش وارد ایران شد. به دنبال وی سرهنگ نورمن شوارتسکف به همراه سرهنگ دوم فیلیپ بون و سروان ویلیام پرستون به عنوان مشاور ژاندارمری ایران، وارد تهران شدند. اهداف کوتاه مدت حضور این مستشاران نظامی متوجه تأمین امنیت کشور برای ارسال تدارکات به کشور شوروی بود. ضمن این که آنها می‌خواستند از فعالیت عناصر طرفدار آلمان در ایران جلوگیری نمایند. (ریکس، ۱۳۸۶: ۱۳۲) این هیئت‌ها مقدمه حضور هیئت‌های نظامی و غیرنظامی دامنه‌داری بود که تا سال‌های پایانی دولت پهلوی در ایران حضور یافتند. افزایش این هیئت‌های مستشاری اقتصادی، نظامی و اجتماعی، شاخصی برای افزایش حضور و نفوذ ایالات متحده آمریکا در ایران محسوب می‌شد. دوره‌های حضور این هیئت‌ها و به طور کلی روابط ایران و آمریکا در دوره سلطنت محمدرضا شاه را به سه دوره می‌توان تقسیم کرد:

الف) از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۶، سال‌های حضور سربازان آمریکا و دوران اشغال ایران به وسیله نیروهای متفقین تا پایان بحران آذربایجان: در حالی که انتظار جامعه بین‌الملل بعد از جنگ جهانی دوم این بود که سیاست‌های نظامی‌گری<sup>۲</sup> کشورها متوقف شود و تلاش برای استقرار صلح و آرامش افزایش یابد، اما یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ادامه سیاست‌های نظامی‌گری آمریکا، یکی بنیان‌گذاری سیاست خارجی آمریکا در تقابل با شوروی و دیگری اتحاد بین مراکز صنایع عمده نظامی و سیاسی در کشور آمریکا بود که منافع سرمایه‌داری تداوم این اقدامات را الزامی می‌ساخت (Hoffman and cullather, 2002:397).

1 - Ridely.

2 - Militarism.

بعد از سقوط رضاشاه و هجوم متفقین به ایران، ناامنی و شورش در شهرها و مناطق افزایش یافت. در خوزستان، کردستان و فارس عشایر تحرکاتی را آغاز کردند. نیروهای نظامی و ژاندارمری ایران نیز بعد از تهاجم متفقین دچار ضعف و فروپاشی شده و بسیاری از آنها پادگان‌های خود را ترک کرده و روحیه خود را به شدت از دست داده بودند. اقدامات رضاشاه در سال‌های پایانی سلطنتش نیز در نابسامانی نیروهای انتظامی کشور نقش داشت. رضاشاه در سال ۱۳۱۸ به ناگهان نیروهای ژاندارمری را در ارتش ادغام و از این طریق یک نابسامانی را بر این نیروها تحمیل کرده بود (معتضد، ۱۳۸۵: ۵۷۲). به این خاطر دولت ایران برای تأمین امنیت کشور از دولت آمریکا درخواست حضور هیئتی برای بازسازی و نوسازی نیروهای نظامی ایران را کرد. این توافق منجر به حضور هیئت جنمیش<sup>۱</sup> به ریاست شوارتسکف<sup>۲</sup> شد. در این توافق آمده بود که ریاست هیئت جنمیش به عنوان رئیس ژاندارمری ایران محسوب می‌شود. آنها در پوشیدن لباس ژاندارمری ایران یا ارتش آمریکا مختار بودند، به همین خاطر شوارتسکف لباس ارتش آمریکا را بر تن می‌کرد. در قرارداد ذکر شده بود که افسران هیئت مستشاری آمریکا بر افسران ژاندارمری و ارتش ایران با همان درجه و رتبه برتری خواهند داشت (سازمان اسناد ملی ایران، ۲۹۰/۳۹۳۳). دولت ایران موافقت کرده بود تا زمانی که این قرارداد باقی است، هیچ هیئت مستشاری جهت کار در ژاندارمری ایران و یا شعب آن (که کارمندان آمریکایی در آن مشغول به کار هستند)، استخدام ننماید. (الکساندر و نانز، ۱۳۷۸: ۱۹۷) شوارتسکف و همکارانش درباره‌ی امور محوله صاحب صلاحیت و تجربه بودند. شوارتسکف تجربیات موفقیتی به عنوان بنیانگذار پلیس ایالتی نیوجرسی داشت. وی که دانش آموخته دانشگاه جنگ ویس پوینت بوده و در جنگ جهانی اول در جبهه فرانسه جنگیده بود، پس از بازگشت از آلمان ابتدا فرماندار نظامی کرانه‌های خلیج مکزیک و سپس فرمانده مرزبانی در خط مکزیک بود. شوارتسکف به مدت پنج سال و نیم در ایران حضور پیدا کرد. آنها از همان سال ۱۳۲۱ در قرارگاه‌های ژاندارمری مستقر شدند. نیروی بیست هزار نفری ژاندارمری را از نو سازماندهی کردند. به آنها آموزش‌های لازم را ارائه و به سلاح‌های جدید مسلح کردند. آنها مبانی جدید سازماندهی را با شرح جزئیات در دوپست صفحه آماده کردند. مخالفت‌ها با حضور

1 - Genmish

2 - schowitzkopf



مستشاران آمریکایی از داخل و خارج ژاندارمری وجود داشت و بسیاری از افسران ارشد ایرانی حاضر به قبول همکاری با هیئت جنمیش نبودند. با وجود این مخالفت‌ها به خاطر حمایت همه جانبه وزارت امور خارجه آمریکا و فرماندهی متفقین، قدرت اجرایی ژاندارمری هم به دست هیئت جنمیش افتاد و اختیارات گسترده‌ای که ایرانیان را به خشم می‌آورد، به آنها اعطا شد. هیئت مستشاری نظامی از اختیارات فراوانی برخوردار بودند و اجازه بازرسی و بازدید از همه مراکز نظامی در تمامی مناطق کشور را داشتند. (سازمان اسناد ملی ایران، ۲۹۰/۴۹۶)

شوارتسکف برنامه‌های خود را برای استقرار نیروهای امنیتی در سراسر کشور اجرایی کرد. شوارتسکف برای ایجاد امنیت از گردان‌های ارتش بهره گرفت و شش گردان از ارتش ایران برای تضمین امنیت در پاسگاه‌های مرزی مستقر کرد و شش گروهان هم برای امنیت جاده‌ها و مناطق روستایی اختصاص داد. از دیگر اقدامات شوارتسکف در ژاندارمری، به کارگیری رادیو بی‌سیم در مراکز هنگ‌های هفده‌گانه در کشور بود که ارتباط مرکز با فرماندهان هنگ‌ها را تسهیل می‌کرد. وی تعداد زیادی اتومبیل جیب آمریکایی (ویلینز)<sup>۱</sup> چه به صورت کمک نظامی آمریکا و چه از محل خرید مازاد اسلحه و تجهیزات آمریکایی خریداری و در اختیار ژاندارمری قرار داد (معتضد، ۱۳۸۵: ۶۶۵). از اقدامات هیئت جنمیش به راه‌اندازی رادیو آمریکا در ایران بود. این رسانه‌ها در راستای انتقال فرهنگ آمریکایی به کشورهای جهان سوم فعالیت می‌کردند. رسانه‌های آمریکایی به ترویج سبک زندگی آمریکایی و تجلیل از ارزش‌ها و روش‌های حکومت و سیستم‌های اداری و آموزشی آمریکایی می‌پرداختند. این رسانه‌ها به طور اساس ایده رویای زندگی سرزنده آمریکایی را در مقابل جهان متروک و غم‌افزای کمونیستی شوروی تبلیغ می‌کردند. رادیو صدای آمریکا یکی از این ابزارهای اثرگذار بود. به دنبال افزایش شمار مستشاران نظامی آمریکایی در ایران، رادیو صدای آمریکا با پخش روزانه ۲ ساعت موسیقی کار خود را شروع کرد. هدف این رادیو (که تهیه و اجرای آن توسط سفارت آمریکا در ایران صورت می‌گرفت)، پشتیبانی از سیاست‌های نظامی، اقتصادی و اجتماعی آمریکا در ایران و هدایت افکار عمومی ایران به نفع آمریکا و نیز ایجاد نوعی امنیت اجتماعی برای مستشاران آمریکا در ایران بود (محمدی، ۱۳۸۸: ۶۸).

1 - Willys

هیئت ژنرال ریدلی ماهیت مشاوره‌ای داشت و در راستای ارتقای عملکرد اداری فعالیت می‌کرد. به طور کلی در نتیجه حضور هیئت شوارتسکف نظم و امنیت در کشور بیشتر شد و ارتش و ژاندارمری را در برقراری امنیت مورد نظر متفقین یاری کرد. به قول سرکلامونت استرایک<sup>۱</sup> این حضور و مداخله هیئت‌های نظامی و مالی آمریکا در ایران تلاش آشکار آمریکا برای تسخیر بازار ایران و مهم‌تر از همه برای رسیدن به امتیازات نفتی بود. این اقدامات جزئی از روندی بود که شوروی را از یک متفق گرم به یک دشمن سرد تبدیل کرد. اقدامات هیئت نظامی آمریکا در تأمین و تقویت نظم، برگ برنده آمریکا بود (ریکس، ۱۳۸۶: ۱۳۸). از اهداف دیگر آمریکا از حضور هیئت‌های نظامی خود در ایران، فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی از کشور شوروی و گروه‌های تحت حمایت وی بود که ابتدا دفتری با عنوان خدمات استراتژیک در ایران دایر کرد و این دفتر بعد از جنگ به سازمان اطلاعات مرکزی سیا در منطقه تبدیل و به فعالیت خود تا پایان دولت پهلوی ادامه داد (ازغندی، ۱۳۷۶: ۱۲۲).

ب) ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۲؛ سالیان اعلام برنامه دکترین ترومن و سپس برنامه مارشال و اجرای برنامه‌های اصل ۴ در ایران و برنامه عمرانی هفت ساله: به دنبال اعلام دکترین ترومن، آمریکا برنامه مارشال را برای کمک اقتصادی و بازسازی کشورهای اروپایی اعلام کرد. در ۳ دی ۱۳۲۷/۲۰ ژانویه ۱۹۴۹، اصل ۴ را که شامل اعطای کمک‌های فنی و اقتصادی به کشورهای جهان سوم از جمله ایران بود، برای بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و مقابله با کمونیسم اعلام کرد. به طور کلی پس از جنگ دوم جهانی و در زمان ریاست‌جمهوری ترومن ۱۹۴۵-۱۹۵۲ م. بنیان سیاست خارجی جدید آمریکا درباره ایران طراحی و اجرا شد و با اعطای کمک‌های اقتصادی، فنی، تقویت بنیه نظامی و ایجاد روابط نزدیک‌تر فرهنگی و اجتماعی، ایران در سیستم امنیت منطقه‌ای آمریکا ادغام شد. هیئت نظامی ارتش آمریکا یا آرمیش<sup>۲</sup> جایگزین جنمیش یا هیئت شوارتسکف شد. ژنرال رابرت گرو در مقام رئیس هیئت وارد تهران شد. هدف این هیئت تقویت کارآیی ارتش ایران از طریق همکاری با وزارت جنگ و فرماندهی ارتش بود. شرایط حضور آنها و رتبه نظامی آنها همان شرایط جنمیش را داشت. اهداف عمده فعالیت

۱ - از ماموران نظامی انگلیس و مأمور تبعید رضاشاه از ایران به آفریقا.

آرمیش در ایران قرار دادن ایران در دکترین ترومن بود تا ایران به لحاظ سیاسی- نظامی در کمربند امنیتی آمریکا در برابر کمونیسم قرار گیرد. به این خاطر ایران نیز همانند کره، یونان و ترکیه در برنامه کمک‌های نظامی آمریکا قرار گرفت. کمک نظامی آمریکا نه به خاطر دفاع ملی ایران، بلکه با هدف امنیت داخلی آمریکا صورت می‌گرفت (kulter, 2003: 233). در این دوره نوسازی و کمک نظامی در کنار نوسازی و کمک اقتصادی و اجتماعی صورت می‌گرفت. از سال ۱۹۴۹ م. ایران بر اساس برنامه اصل ۴ مشمول دریافت کمک‌های اقتصادی، اجتماعی و نظامی می‌شد. به دنبال آن در سال ۱۹۵۰ م. برنامه مشترک دفاعی بین ایران و آمریکا منعقد و گروه مستشاران نظامی موسوم به ماگ<sup>۱</sup> در ایران حضور یافتند. به طور کلی برنامه کمک‌های فنی آمریکا در قالب اصل چهار و گروه مشاوره کمک نظامی یا ماگ برای حفظ و تقویت ثبات و امنیت داخلی ایران تنظیم شده بود. این گروه که به لحاظ اهمیت از هیئت‌های پیشین برتر بودند، ساختار نظامی موجود را تقویت می‌کردند و کارآمدی ارتش و ژاندارمری را از طریق آموزش و خریدهای تسلیحاتی افزایش می‌دادند. هیئت ماگ در مقایسه با هیئت-های پیشین کمک نظامی و مالی گسترده‌ای را فراهم می‌ساختند.

ج) از سال ۱۳۳۲ تا پایان سلطنت پهلوی یعنی سال ۱۳۵۷: بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روابط نظامی و اقتصادی و اجتماعی ایران و آمریکا وارد مرحله جدیدی می‌شود. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در تداوم و حضور آمریکا و هیئت‌های نظامی آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. در حالی که مجموع کمک‌های نظامی آمریکا بین سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۲۸ به ۱۶.۷ میلیون و کمک‌های اقتصادی به ۱۶.۵ دلار می‌رسید، کمک‌های نظامی در فاصله ۴۰-۱۳۳۲ به بیش از ۴۳۶ میلیون دلار و کمک‌های اقتصادی به ۶۱۱ میلیون دلار افزایش یافت که ۴۳۵ میلیون دلار آن به صورت کمک بلاعوض و بقیه به صورت وام بود. طی سال‌های ۳۲ الی ۴۰-۱۳۳۲ به بیش از ۴۳۶ میلیون دلار و کمک‌های اقتصادی به ۶۱۱ میلیون دلار افزایش یافت که ۴۳۵ میلیون دلار آن به صورت کمک بلاعوض و بقیه به صورت وام بود. طی سال‌های ۳۲ الی ۴۰ میزان کمک‌های نظامی آمریکا به ایران، حدود نیمی از مجموع کمک‌هایی بود که آمریکا به دیگر کشورهای جهان کرده بود. طی این مدت تعداد زیادی از افسران ارتش در دانشگاه‌ها و مدارس نظامی آمریکا دوره‌های تخصصی نظامی را طی کردند و بیش از ۲۵۰۰۰ افسر و درجه‌دار ایرانی در کلاس‌های زبان انگلیسی ثبت‌نام کردند و استفاده از سلاح‌های جدید را فراگرفتند (نجاتی، ۱۳۷۳: ۵۱۷).

1- Maag

بعد از کودتا سیاست آمریکا در قبال ایران بر دو محور قرار داشت و آمریکا طی بیست و پنج سال پس از کودتا این سیاست را تعقیب می‌کرد: یکی حفظ و تحکیم مناسبات با دربار ایران و پشتیبانی از محمدرضاشاه، به طوری که اقتدار وی افزایش یابد و آمریکا مستقیماً با وی طرف معامله باشد. اجرای سیاست پشتیبانی از شاه مستلزم اقدامات موثر و ملموسی بود که یکی از آنها اعطای کمک‌های مالی، فنی و نظامی برای ایجاد دستگاه پلیسی ساواک در سال ۳۶ بود. محور دوم سیاست ایالات متحده در جهت تقویت نیروهای مسلح ایران قرار داشت. ارتش، عنصر دفاع و وسیله اعمال قدرت در سرکوب مخالفان رژیم بود. آمریکایی‌ها مایل بودند که ارتش ایران از جنبه تسلیحات، آموزش و دکتترین به صورت یک نیروی عامل چه در صورت وجود شاه و چه در صورت نبود شاه درآید. بدین خاطر طی سال‌های بعد از کودتا میزان کمک‌های نظامی آمریکا به ایران در حدود نیمی از مجموع کمک‌هایی بود که آمریکا طی سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۶۱ م. به دیگر کشورهای جهان داده بود (همان: ۵۱۷).

از سال ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی، هیئت ماگ در همه شعبات پلیس و نیروهای نظامی ایران وارد شدند. در نتیجه عملکرد این هیئت، ایران در کنار شورهایی چون یونان و ترکیه قرار گرفت و موقعیت منطقه‌ای و امنیتی ایران با شفافیت بیشتری تعریف شد. ایران در سال ۱۳۳۴ ه.ش/۱۹۵۵ م به پیمان بغداد که اعضایش شامل ترکیه، عراق، پاکستان و انگلستان بود و پس از خروج عراق به سازمان پیمان مرکزی (سنتو) وارد شد. با وجود آنکه آمریکا عضو سازمان مزبور نبود، اما سازمان مزبور به عنوان بخشی از شبکه پیمان‌هایی بود که دولت آمریکا آنها را به عنوان سدی در برابر کمونیسم بنا کرده بود (لنجافسکی، ۱۳۷۳: ۱۶). به دنبال آن به منظور تأمین ثبات سیاسی و همکاری مشترک بین دو کشور ایران و آمریکا، قرارداد کمک دفاع دوجانبه<sup>۱</sup> بسته شد. بر اساس آن دو طرف توافق کردند، برای امنیت و دفاع اشتراک مساعی داشته باشند و در صورتی که ایران مورد تجاوز قرار می‌گرفت، ایالات متحده مبادرت به استفاده از نیروهای نظامی می‌کرد (مجموعه قوانین و مصوبات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم، ج ۱۷۲: ۱۶۲۷). این قرارداد به شدت خشم شوروی را باعث شد و شخص خروشچف، شاه و حکومت وی را مورد حملات شدید قرار داد.

1 - Mutual defence assistance

مستشاران آمریکایی به تدریج امتیازات و اختیارات بیشتری را به دست آوردند. این مستشاران با طرح‌های متعدد و با شرکت‌های خصوصی و دولتی بر حجم و گستره فعالیت‌های خود به شدت افزودند. در آغازین سال‌های دهه ۴۰ هـ.ش با توجه به گسترش مناسبات همه‌جانبه آمریکا با ایران و اهمیت حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران دولت منصور نخست‌وزیر مورد حمایت آمریکا، لایحه اعطای مصونیت به مستشاران آمریکایی را با عنوان «ماده واحده» به قرارداد وین ضمیمه و در شب سوم مرداد ۱۳۳۷ در یک جلسه فوق‌العاده به تصویب مجلس سنا رسید (احیایی، ۱۳۸۲: ۴۳۳). این قرارداد زمینه را برای حضور چندین هزار نفری مستشاران نظامی آمریکا در ایران فراهم ساخت.

اهمیت ماگ به کارکرد آن در ارائه مشاوره فنی در خریدهای تسلیحاتی جدید، پروژه‌های آموزشی جدید و برنامه‌های نگهداری تجهیزات مربوط می‌شد. وظایف ماگ به شکل جدیدی از کمک نظامی یعنی کمک نظامی بلاعوض پیوند خورده بود. در این دوران مناسبات مبادله نفت با سلاح بین ایران و آمریکا آغاز و به شدت گسترش یافت. در این سال‌ها فعالیت (اصل چهار)<sup>۱</sup> و گروه مستشاری ماگ به موازات هم در راستای نوسازی عمومی کشور و ایجاد ثبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی پیش می‌رفت. اهداف راهبردی آمریکا در ایران با حضور گسترده‌تر و همه‌جانبه آن دچار دگرگونی می‌شد. ماگ و اصل چهار نه تنها به کمک نظامی و پیشرفت و توسعه کشور، بلکه امنیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی را هم مد نظر داشتند. وزارت امور خارجه آمریکا در گزارشی در مورد اهداف آمریکا در ایران آورده است: نخستین هدف ما در ایران، ممانعت از استیلای شوروی و تقویت گرایش ایران به غرب است. تأکید اصلی در این ارتباط بر برنامه هفت ساله ایران است که انتظار می‌رود تا حد زیادی از منابع مالی ایران در اجرای آن استفاده شود. کمک آمریکا به ایران در زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی، آن گونه که اکنون برنامه‌ریزی شده است، به کمک فنی بر اساس اصل چهار محدود می‌شود. جنبه دوم اجرای سیاست ما، تقویت اعتماد به نفس و قدرت ایران در مقاومت در مقابل کمونیسم از طریق ارائه کمک نظامی بر اساس برنامه کمک نظامی است. در ۱۹۵۴ م. سرلشکر جرج استوارت از ارتش آمریکا و مدیر کمک نظامی پنتاگون نزد

1 - Technical Cooperation Mission.

هیئت همکاری فنی (اصل چهار) مانند ماگ یک برنامه بلاعوض کمک فنی در ازای کار کارگران ماهر ایرانی و استفاده از منابع داخلی ایران بود.

کمیته امور خارجی کنگره اظهار می‌دارد: فکر می‌کنم بتوان گفت اگر به خاطر کار ماگ و هیئت ارتش آمریکا در ایجاد اعتماد به نفس و دوستی میان نیروهای مسلح ایران نبود، ایران امروز پشت پرده آهنین قرار داشت (ریکس، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

از مهمترین اهداف ماگ حفظ و تقویت سلطنت در ایران و همکاری با شاه به عنوان مهمترین متحد آمریکا در خاورمیانه بود. بدین جهت هنگامی که در جریان نهضت ملی شدن نفت که موجودیت سلطنت و شخص شاه در خطر افتاده بود، هیئت‌های نظامی آمریکایی به شدت فعال شدند. ژنرال استوارت در توضیح نقش ماگ در ساقط کردن مصدق می‌گوید: وقتی این بحران پیش آمد، ما معیارهای عادی‌مان را نقض کردیم. از جمله کارهایی که کردیم، این بود که فوراً بر اساس شرایط اضطرار، پتو، چکمه، یونیفورم، ژنراتور برق و وسایل درمانی در اختیار ارتش قرار دادیم که فضایی جهت حمایت از شاه به وجود آورد. طرفداران شاه سلاح‌هایی که در دست داشتند، کامیون‌هایی که سوارشان بودند، خودروهای مسلحی که با آنها از خیابان‌ها عبور می‌کردند و ارتباطات رادیویی که ارتباط آنها را فراهم می‌کرد، همه و همه از طریق برنامه کمک دفاعی نظامی فراهم شد. اگر این حمایت‌ها نبود، احتمالاً الان یک دولت غیر دوست با ایالات متحده بر مسند قدرت بود. هنگامی که عوامل سیا و سازمان اطلاعات مخفی بریتانیا<sup>۱</sup> زمینه را برای عملیات تی پی آژاکس<sup>۲</sup> آماده می‌کردند، ژنرال شوارتسکف رئیس پیشین میسیون نظامی آمریکا (جنمیش) از طرف دولت آمریکا برای فراهم کردن زمینه و ملاقات با شاه به ایران آمد و وی با همکاری خواهر شاه (اشرف)، نقش عمده‌ای در اجرایی شدن کودتا ایفا کرد (Blake, 2009: 8). با وجود این که حضور شوارتسکف در ایران کوتاه مدت بود، اما به لحاظ قوت قلب دادن به شاه و تشویق وی برای غلبه بر ترسش برای انجام کودتا بسیار مؤثر بود. همگام و همراه با وی بسیاری از عوامل سفارت از جمله لوی هندرسون سفیر آمریکا در تهران و کرمیت روزولت برای به ثمر نشستن کودتا همکاری می‌کردند (بیل، ۱۳۷۱: ۱۵۰).

1- Military Intelligence - Section 6 (MI6)

2 - T.P.AJAX:

عملیات پاکسازی حزب توده از ایران.

تأسیس ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) در سال ۱۳۳۶ نیز در راستای حفظ و حمایت از رژیم شاه و نگهداری از منافع درازمدت آمریکا در ایران صورت گرفت. هسته اصلی ساواک با کمک فنی و تجهیزاتی آمریکا ایجاد شد و واشنگتن نیروهای اطلاعاتی خود را در اختیار شاه گذاشت. همچنین ضد اطلاعات اسرائیل هم در تشکیل و عملکرد ساواک نقش عمده‌ای ایفا کرد (همان: ۱۶۵). دلایل تشکیل ساواک از دید آمریکا عبارت بود از: ۱- مقابله با فعالیت‌های ضد رژیم و تقویت ثبات و امنیت رژیم شاه ۲- مقابله با نفوذ کمونیسم در ایران و منطقه. شاه هم از نزدیکی روابط با آمریکا نفع می‌برد. شاه در نظر داشت با خنثی کردن مداخلات شوروی و انگلیس، جنبش‌های اجتماعی داخلی را نیز سرکوب نماید (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۰۵).

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شاه از طریق نیروهای نظامی عملاً جامعه را اداره می‌کرد و به همین دلیل ایران بیش از آن که یک دیکتاتوری نظامی باشد، دیکتاتوری سلطنتی بود (فوران، ۱۳۷۸: ۴۶۵). از آن جایی که ماهیت حکومت پهلوی را دیکتاتوری سلطنتی نامیده‌اند، از عمده ترین ابزارهای حکومت وی نهادهای سرکوبگرش بود که آمریکا در تجهیز و تقویت این نهادهای سرکوبگر نقش اساسی داشت. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۳۱) نیروهای مسلح بین ۲۵ تا ۴۰ درصد بودجه کشور را در دهه‌های ۳۰ الی ۵۰ به خود اختصاص می‌داد. با افزایش درآمد نفت بودجه‌های نظامی افزایش سرسام‌آوری یافتند. تعداد نیروهای مسلح در سال ۱۳۵۷ به ۴۱۳ هزار نفر افزایش یافت و در فاصله سال‌های ۵۱ الی ۵۵ حدود ۱۰ میلیارد دلار صرف خرید جنگ‌افزار از آمریکا شد و همین امر موجب شد که در سال ۱۳۵۵ تعداد ۲۴۰۰۰ مستشار آمریکایی در نیروهای مسلح ایران فعالیت داشته باشند و بندهای وابستگی ایران به ایالات متحده آمریکا به این ترتیب مستحکم‌تر شود. (فوران، ۱۳: ۴۶۵)

حضور هیئت‌های نظامی آمریکا تا پایان دوره پهلوی تداوم یافت و تعداد آنها از شهریور بیست تا بهمن ۵۷ به یازده هیئت رسید. هیئت تافت در سال ۱۳۵۲ وارد ایران شد. گروه تافت با هدف ارائه مشاوره و آموزش درباره تجهیزات و سلاح‌های پیشرفته آمریکایی در ارتش ایران وارد شد. حضور تافت در پی افزایش فروش سلاح به ایران و تمایل شاه به خرید سلاح‌های پیشرفته ضرورت یافت. دستیابی ایران به سلاح‌های پیشرفته و پیچیده آمریکایی چون هواپیماهای اف-۱۴ و اف-۱۶ و تانک‌های مختلف و حتی

هوایم‌های آواکس، با توجه به تغییر سیاست‌های امنیتی آمریکا و سپردن امنیت منطقه خلیج فارس به شاه میسر گردید. این خریدها زمینه را برای فعالیت هیئت‌های مستشاری فراهم می‌کرد. از این به بعد علاوه بر هیئت‌های دولتی، شرکت‌های خصوصی نظامی آمریکایی نیز در ایران حضور یافتند. زیرا بهره‌برداری از این سلاح‌ها توسط نیروهای نظامی ایران ساخته نبود. با این قراردادها و حضور گسترده مستشاران و محتوای روابط نظامی ایران و آمریکا، روابط بین ایران و آمریکا از حالت عادی خارج و به وضعیت وابستگی یا دست‌نشانده‌گی تغییر یافت (نجاتی، ۱۳۷۷: ۵۱۹ و ازغندی، ۱۳۸۷: ۳۶۳). گزارش‌های منابع آمریکایی در این زمینه تصریح می‌کنند که ایران سرمایه‌گذاری عظیمی را در زمینه تسلیحات و فن‌آوری آمریکا انجام داده است که پشتیبانی و حفظ و نگهداری لجستیکی آن باید بر عهده آمریکا باشد. بنابراین ایران در اکثر تصمیم‌هایش در مورد استفاده عمده و متوالی از توانایی نظامی‌اش، باید به طور اجتناب‌ناپذیری دیدگاه‌های ایالات متحده را در نظر بگیرد (الکساندر و نانز، ۱۳۷۸: ۶۱۶).

### ۳ - واکنش‌ها به حضور مستشاران آمریکایی در ایران:

حضور و فعالیت مستشاران آمریکایی به طور کلی و مستشاران نظامی به طور ویژه یکی از عوامل نارضایتی مردم از دولت پهلوی و آمریکا بود که با اشکال مختلف خود را نشان می‌داد. نارضایتی مردم به صورت‌های مختلف خود را نشان می‌داد. نارضایتی از همان سال‌های اشغال از رفتار و عملکرد نظامیان آمریکایی دیده می‌شد (طیرانی، ۱۳۷۹: ۳۶) اما این اعتراضات در آن سال‌ها خیلی دامنه پیدا نکرد. در سال‌های پایانی رژیم که اتفاقاً حضور این مستشاران هم بسیار چشمگیر شده بود، این ناخرسندی از حضور و دخالت نظامی آمریکا هم در قالب فرهنگی و هم به شکل نظامی دیده می‌شد. به طوری که محافظت از جان آمریکایی‌ها به یکی از دغدغه‌های اصلی نیروهای امنیتی ایران تبدیل شده بود.

هنر و ادبیات نیز عرصه مهم مخالفت و اظهار نارضایتی از برنامه‌های فرهنگی، اقتصادی و نظامی آمریکا در ایران بود. در این عرصه نه تنها گروه‌های مذهبی، بلکه گروه‌های چپ و ملی نیز این برنامه‌ها را به باد انتقاد می‌گرفتند. در سینمای دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ ه.ش که عمدتاً جولانگاه فعالیت هنرمندان چپ‌گرا بود، در مواردی که در فیلم‌ها افراد خارجی حضور دارند، نقش آنها منفی و تبهکارانه است. مثلاً در سه بمب آتش (۱۳۴۵) یک آمریکایی به عنوان ضد قهرمان فیلم حضور دارد، که در زمان جنگ



جهانی دوم مقدار زیادی طلا را با همکاری یک ایرانی در اطراف شیراز مخفی کرده است. بعد از پایان جنگ برای یافتن طلاها وارد عمل می‌شوند که در طی این کار، وی شریک ایرانی‌اش را می‌کشد و به دنبال آن هم به دست سه ایرانی کشته می‌شود و فیلم با انتقام ایرانی‌ها از آمریکایی پایان می‌یابد (اجلالی، ۱۳۸۳: ۲۹۶). در سال ۴۹ که اوج روابط ایران و آمریکا بود، نعمت میرزا زاده مجسمه آزادی آمریکا را که نماد کشور آمریکا محسوب می‌شود، را چنین به تصویر کشیده است:

غولی خشن به صورت بانویی معصوم / بر تلی از دلار ستاده است /... این پیکره مبشر آزادی است / آزادی ربودن، آزادی هجوم / ... غولی خشن به چهره قدیسی / ای غول، ای مزور قدیس / ای مشعل، ای چراغ رهنمان دریایی با باد شرق بر تو سرانجام می‌وزم (میرزا زاده، ۱۳۴۹: ۴۹).

رضا براهنی شاعر و نویسنده چپ‌گرای این دهه‌ها هم با تشبیه این مجسمه به غول چنین می‌سراید:

غول نشانید به تخت ملک / کشتن و تخریب شد آیین او / غارت و پیکار و دغل دین او / مدعی صلح و طلبکار جنگ / صورت انسان و نهادش پلنگ... (ادیب زاده، ۱۳۹۱: ۵۰).

رمان و داستان‌های فارسی در دهه‌های چهل و پنجاه هم صحنه مبارزه منفی و آشکار نویسندگان عمده جامعه بر علیه برنامه‌های دولت پهلوی و آمریکا بود. به طور کلی استعمارستیزی از عمده‌ترین ویژگی‌های رمان فارسی در این دهه‌ها است. کتاب «یادداشت‌های شهر شلوغ» نوشته فریدون تنکابنی از جمله نمونه‌های این احساسات ضدآمریکایی است (بیل، ۱۳۷۱: ۲۹۱). رمان مدیر مدرسه آل‌احمد در اعتراض به حضور گسترده آمریکایی‌ها در کشور نگارش یافته است. آل‌احمد دولت پهلوی و آمریکا را مشابه همدیگر دانسته و شاه را آلت دست و عامل آمریکا بازنمایی کند (قانون پرور، ۱۳۸۴: ۱۶۳). در حالی که در گفتمان پهلوی آمریکایی خودی پنداشته می‌شود، در گفتمان مقاومت، آمریکا به دیگری ایران و اسلام تبدیل می‌شود. این رمان‌ها سرشار از تقابل نقش‌های ایرانی با غربی (که عمدتاً آمریکایی هستند)، می‌باشد. تصویر مشابه و منفی‌تری از آمریکا در داستان کوتاه شوهر آمریکایی آل‌احمد ظاهر می‌شود. توصیف آل‌احمد از صنعت دفن و کفن در رمان «شوهر آمریکایی» به عنوان نماد سرمایه‌داری

آمریکا است که هر چیزی را مورد استثمار قرار می‌دهند و زن ایرانی نیز احساس می‌کند که توسط آمریکایی گول خورده و مورد استثمار قرار گرفته است. این داستان در واقع کنایه‌ای از روابط ایران و آمریکا است. در آثار غلامحسین ساعدی نویسنده و روان‌پزشک این دهه‌ها هم، چنین تصویرهای بسیار منفی و با زبانی استعاری‌تر دیده می‌شود. داستان کوتاه دندیل ضد قهرمان داستان یک گروه‌بان آمریکایی است. در حالی که شخصیت‌های داستان تصویر مثبتی از آمریکایی‌ها دارند، با دیدن عملکرد وی، ویژگی‌های وی دقیقاً مقابل تصویر اولیه‌ای قرار می‌گیرد که از آمریکایی‌ها مردم انتظار داشتند. وی نه یک مرد ثروتمند و قابل احترام که به مثابه هیولایی مخرب به تصویر کشیده می‌شود (قانون پرور، ۱۳۸۴: ۱۷۰). ساعدی در سال ۴۶ در داستان نمایشی «آی بی کلاه و آی با کلاه» صحنه‌ای را به تصویر می‌کشد که مضمون عمده آن وحشت از مکانی متروک و وجود هیولایی ترسناک است که می‌خواهد همه چیز را غارت کند و آمریکا سمبل آن هیولای ترسناک است. به طور کلی در ادبیات این دوران غول و هیولا به خاطر وجود سانسور دولتی استعاره‌ای از آمریکا است (ادیب زاده، ۱۳۹۱: ۳۹). رمان راز سرزمین من هم درباره حضور نامیمون آمریکایی‌ها در ایران است. در این رمان که در سال‌های پس از انقلاب فرصت انتشار یافت، براهنی تصویری از آمریکایی‌ها در ایران تصویر می‌کند که بیشتر تداعی کننده حضور بی‌رحمانه آمریکایی‌ها در ویتنام است. نقش منفی رمان کاپیتان کراسلی، تجسمی از صفات نژادپرستی، تجاوزگری و شقاوت است که تنفر ایرانی‌ها را از آمریکایی‌ها برمی‌انگیزد (حسنکلو، ۱۳۸۷: ۱۹۸).

ویلیام سالیوان که نزدیک به سه سال آخر منتهی به انقلاب در ایران به عنوان سفیرکبیر آمریکا حضور درباره جوّ ضدآمریکایی ایران اظهار می‌دارد: «اتهام اصلی آمریکا این بود که حامی و پشتیبان اصلی شاه است و شاه نوکر و دست‌نشانده آمریکاست». با توجه به حضور گسترده مستشاران و نظامیان آمریکایی در ایران که تنها تعداد کارکنان سفارت آمریکا دوهزار نفر بودند. آنها یکی از اهداف گروه‌های مبارز انقلابی محسوب می‌شدند. در نهم آذر ۱۳۵۰ چریک‌ها در صدد ربودن داگلاس مک‌آرتور سفیر آمریکا در ایران برآمدند. در سال ۵۲ سرهنگ لویزا و کینگز مستشار نظامی آمریکا در تهران و نیز در سال ۵۴ پل شیفر و جک تورنر از مستشاران آمریکایی کشته شدند. در مرداد سال ۵۵ سه آمریکایی که مسئول سیستم الکترونیکی مراقبت بودند در خیابان‌های تهران ترور

شدند. آمریکایی‌ها در سال‌های منتهی به انقلاب در معرض شناسایی و آزار و حملات قرار می‌گرفتند. (نجاتی، ۱۳۷۳: ۵۰۲) سولیوان درباره جو ضدآمریکایی ایران می‌نویسد: «با ملاقات‌ها و تجاربی که در طول مأموریت خود در ایران کسب کردم، به این نتیجه رسیدم که افکار و احساسات اکثریت مردم ایران نسبت به آمریکایی‌ها، برخلاف آنچه بخش کوچکی از جامعه ایرانی و معاش‌های خودمان نشان می‌دهند، چندان دوستانه نیست و ما نباید مهمان‌نوازی و محبت و چاپلوسی بعضی از خانواده‌های مرفه و ثروتمندان ایرانی را نسبت به خود، به حساب جامعه ایرانی بگذاریم.» (سولیوان، ۱۳۸۴: ۶۳)

### نتیجه‌گیری:

بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا سیاست انزواگرایی خود را به نفع برنامه‌های سلطه‌جویانه خود کنار نهاد. منطقه خاورمیانه و در رأس آن کشور ایران به خاطر موقعیت استراتژیک خود در کانون سیاست‌های آمریکا قرار گرفت. به خاطر عوامل چندی چون رقابت بین دو ایدئولوژی سرمایه‌داری به رهبری آمریکا و کمونیسم به رهبری شوروی، منابع ارزشمند نفت و کنترل منطقه حساس خلیج فارس پس از افول امپراتوری استعماری بریتانیا، دولت ایالات متحده برنامه‌های درازمدتی را طراحی کرد. نوسازی سیاسی، اجتماعی و نظامی این کشورها بر اساس مدل پیشنهادی آمریکا یکی از این سیاست‌ها بود. این نوسازی عمدتاً بر منابع و حضور مستشاران آمریکایی در کشورهای هدف متکی بود. نوسازی نظامی کشور از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار بود. به این جهت مستشاران متعدد آمریکایی از سال ۱۳۲۱ تا پایان دوره پهلوی با دامنه اختیارات و برنامه‌های وسیع برای بازسازی و تجهیز نیروهای مسلح ایران به فعالیت پرداختند. همان طور که در کل روند نوسازی عمومی کشور، هدف این بود که کشوری جدید بر اساس الگوها و تجهیزات آمریکایی ایجاد شود، سازماندهی و تجهیز نیروهای نظامی ایران هم بر اساس الگوها و تجهیزات آمریکایی و تحت نظارت مستشاران نظامی آن کشور صورت پذیرفت. برآیند این نوسازی تقویت نیروهای نظامی ایران و اقتدار شخصی شاه و تأمین هر چه بیشتر منافع آمریکا بود. وابستگی نتیجه‌ای بود که از این نوسازی و حضور مستشاران عاید ایران گردید.

## منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: مرکز.
- اجلالی، پرویز (۱۳۸۱)، دگرگونی اجتماعی فیلم‌های سینمایی در ایران، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- احيایی، زینب (۱۳۸۹)، مستشاران آمریکایی در ایران به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ادیب‌زاده، مجید (۱۳۹۱)، امپراتوری اسطوره‌ها و تصویر غرب (روانکاوی گفتمان ادبی ایران ۱۳۳۲-۱۳۵۶)، تهران: ققنوس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶)، روابط خارجی ایران (دولت دست نشاند) ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران: نشر قومس.
- الکساندر، یونا و الن نانز (۱۳۷۸)، تاریخ مستند روابط دوجانبه ایران و ایالات متحده آمریکا، ترجمه سعیده لطفیان و احمد صادقی، تهران: نشر قومس.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷) تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران: سمت.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱)، عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی، تهران: نشر کوبه.
- پهلوی، فرح، (۱۳۸۲) دختر یتیم، به کوشش احمد پیرانی، تهران: نشر به‌آفرین.
- روستو، والت ویتمن (۱۳۷۴)، نظریه‌پردازان رشد اقتصادی، کتاب اول، ترجمه مرتضی قره‌باغیان، تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهبشتی.
- ریکس، تامس (۱۳۸۶)، هیئت‌های نظامی ایالات متحده در ایران ۱۹۴۳-۱۹۷۸ (اقتصاد سیاسی کمک نظامی)، ترجمه فرهاد ساسانی، مطالعات تاریخی، ش ۶۹.
- سو، آلوین.ی. (۱۳۸۶)، تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سولیوان، ویلیام (۱۳۸۴)، خاطرات دو سفیر، ترجمه و گردآوری محمود طلوعی، تهران: نشر علم.
- شولزینگر، رابرت د. (۱۳۷۹)، دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- طیرانی، بهروز (۱۳۷۹)، روزشمار روابط ایران و آمریکا، تهران: وزارت امور خارجه (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی).
- عسگری حسنکلو، عسگر (۱۳۸۷)، نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی، تهران: نشر فرزاد روز.

- فاوست، لوئیس (۱۳۷۴)، ایران و جنگ سرد، ترجمه کاوه بیات، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- فوران، جان (۱۳۷۸)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- قانون پرور، محمدرضا (۱۳۸۴) در آینه ایرانی، ترجمه مهدی نجف‌زاده، تهران: فرهنگ گفتمان.
- کرونین، استفانی (۱۳۷۷)، ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه غلامرضا بابایی، تهران: انتشارات خجسته.
- لنجافسکی، جورج (۱۳۷۳)، رؤسای جمهور آمریکا و خاورمیانه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- محمدی، غلامحسین (۱۳۸۸)، روابط فرهنگی ایران و آمریکا، تهران، نشر فردوس.
- معتضد، خسرو (۱۳۸۵)، یکصد سال فراز و فرود نیروهای انتظامی، ج ۲، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۷۴)، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۰)، تهران: البرز.
- میرزا زاده، نعمت (۱۳۴۹)، سحوری، بی‌جا.
- میلانی، عباس (۱۳۸۰)، ابوالهول ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر پیکان.
- میلیسپو، آرتور (۱۳۷۰)، آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر البرز.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۳)، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، تهران: رسا.
- هلیدی، فرد (۱۳۵۸)، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.
- سازمان ملی اسناد ایران
- Blake , Kristen (2009) , The us. –Soviet Confrontation in Iran (1945-1962).
- (lanham,Boulder,NewYork,Toronto) university press of America.
- Kulter,Stanley i.(2003) , dictionary of American history,v1,new York, Thomson gale.
- Hoffman,Elizabeth cobs, nick cullather, chester oach (2002) encyclopedia on American,v1, new York, Charles scribnerd sons.
- Rostow, W.W.(1952), The Process of Economic Growth, New York, w.w.norton.